

مقایسه انواع منزلت هویت شغلی زنان ایرانی

اقدس سادات رضوی^۱ معصومه اسماعیلی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه دو نسل از زنان ایرانی از نظر قرارگیری در انواع منزلت‌های هویت شغلی (هویت موفق، هویت بحران‌زده، هویت سردرگم و هویت دنباله‌رو) می‌پردازد. روش مطالعه، روشی توصیفی است و جامعه مورد پژوهش کلیه دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبائی و مادران آنها است. نمونه انتخابی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است. به این منظور از بین کلیه دانشکده‌ها به صورت تصادفی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی و سپس از بین کلیه رشته‌ها، رشته تکنولوژی آموزشی و سپس سه کلاس به صورت اتفاقی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه باز پاسخ محقق ساخته می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا، آزمون حقیقی فیشر و نرم‌افزار SPSS انجام شد. نتایج یافته‌ها نشان از آن است که بین دو گروه مورد مطالعه از نظر قرارگیری در انواع منزلت‌های هویت شغلی تفاوت معناداری مشاهده شده است.

کلیدواژه‌ها: منزلت هویت شغلی، هویت موفق، هویت بحران‌زده، هویت دنباله‌رو، هویت سردرگم.

دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۳ پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۱

مقدمه و بیان مسأله

«هویت شغلی»^۳ به عنوان یکی از شاخه‌های اساسی هویت همواره اهمیت به‌سزایی در تعاریف و نقطه‌نظرات روان‌شناسی دارد. تا پیش از گسترش جوامع شهرنشین و حرکت به سوی زندگی مدرن، هویت شغلی دارای ارزش کنونی نبوده است. ساختار و نظام سنتی جوامع نسل‌ها را وادار کرده تا تنها در محدوده‌ی توانایی‌ها و تخصص‌های خانوادگی و قبیله‌ای گام بردارند و هیچ انتخاب دیگری بر سر راه خویش نیابند. وجود استثنایی در این ساختار همواره ناهنجار و فاقد ارزش شناخته شده و با طردشدگی از سوی خانواده مواجه بوده است. به مرور با گذر زمان و حرکت به سوی جوامع شهری و مدرن، لاجرم تنوع مشاغل ایجاب شد و در پی آن تخصص‌ها و تعاریف شغلی شکل گرفت. در این میان هویت شغلی دستخوش تغییرات اساسی شد و بحران‌های هویتی فراوانی در بستر آن شکل به‌وجود آمد.

psy. razavi@yahoo. com

masesmaeily@gmail. com

3. Career identity

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه اصفهان

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

«اگرچه تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در نقش‌های مربوط به زنان و مردان در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، اما هیچ مورد شناخته شده‌ای از جامعه‌ای که در آن زنان قدرتمندتر از مردان باشند، دیده نمی‌شود. زنان در همه جا به طور اساسی با پرورش کودکان، نگهداری و اداره خانه سروکار دارند؛ در حالی که فعالیت‌های سیاسی و نظامی در همه جا به طور آشکار مردانه است» (جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز: ۲۰۵). از این رو مردان همواره به عنوان نیروی اصلی کار به حساب آمده و زنان به عنوان نیروی کار ثانویه در این کشمکش به کنار رانده شده و بیش‌ترین بحران‌های هویت شغلی را متحمل شده‌اند.

از این رو پژوهش حاضر تلاشی است برای مقایسه زنان در دو نسل متفاوت (زنان در نظام سنتی با زنان در جوامع مدرن) از نظر قرارگیری آن‌ها در انواع منزلت‌های هویت شغلی.

چارچوب نظری

از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف، واژه «هویت»^۱ تعاریف متفاوتی را در بر می‌گیرد. اریکسون^۲ (۱۹۶۸) مرحله پنجم از مراحل رشد روانی اجتماعی انسان را که مصادف با دوره نوجوانی است، مرحله هویت‌یابی می‌نامد (لاهی^۳، ۲۰۰۱) و بحران مرتبط با این دوره را «هویت در برابر سردرگمی نقش»^۴ می‌داند. حل بهینه این بحران، هویت معنادار فردی را ایجاد می‌کند و احساس «این‌همانی»^۵ و «پیوستگی» را در فرد به دنبال دارد. با آن که «هویت من»^۶ یک فرد پیوسته در حال تبدیل و تغییر در پاسخ به تغییرات در محیط اجتماعی است، اریکسون به دو بعد استمرار و مداومت فرد در طی زمان و احساس وحدت فرد علی‌رغم گذشت زمان تأکید می‌کند. وی معتقد است که تشکیل و حفظ احساس قوی از هویت من بسیار مهم است و از وظایف هر فردی در طول زندگی است و عدم تشکیل چنین احساسی می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های روانی باشد (شی^۷ و کارور^۸، ترجمه رضوانی، ۱۳۷۵).

وی در تعریف روانی- اجتماعی از هویت، آن را به عنوان حسی از پیوستگی با گذشته و جهت‌گیری برای آینده می‌داند؛ به نحوی که فرد باید اطلاعات و مهارت‌های اکتساب شده از مراحل قبلی و هم‌چنین همانندسازی‌های پیشین را ترکیب کرده و یک هویت شخصی را برقرار کند. در این مرحله فرد باید اطلاعاتی را که درباره خود و جامعه دارد، ارزیابی کرده و سرانجام خود را با تعدادی از خط

1. Identity
2. Erikson E.
3. Lahey B. B1
4. Identity vs. role confusion
5. Sameness
6. Ego Identity
7. Schierer M. F.
8. Carver C. S.

مشی‌های زندگی متعهد کند؛ از این رو فرد نقش‌های متفاوتی از جمله نقش‌های شغلی را تجربه می‌کند که برای رشد هویت بسیار مهم و محوری‌اند (کالسنر^۱، ۱۹۹۶).

مارسیا^۲ (۲۰۰۲) نیز معتقد است که در طول دوره نوجوانی، فرد همواره حول محور هویت‌یابی از سردرگمی هویت به دستیابی هویت و از بحران‌زدگی به سمت ثبات و آرامش در سیلان و تعلیق است (مک کینون^۳ و مارسیا، ۲۰۰۲). وی به دلیل پیچیدگی مفهوم هویت با توجه به دو بعد «کاوشگری»^۴ و «تعهد»^۵، آن را در چند بعد و زاویه از جمله در حیطه شغل که به عقیده نظریه‌پردازان (اریکسون، ۱۹۶۸؛ پیاز و اینهلدر، ۱۹۸۵) جنبه مهمی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد، بررسی کرد. مطابق با نظریه مارسیا (۱۹۹۳ و ۱۹۹۶) بررسی و سنجش مهارت‌ها، ارزش‌های شخصی، فرصت‌های شغلی و اجتماعی موجود مطابق با علائق و توانایی‌های فردی و خواسته‌های جامعه (اکتشاف) و هم‌چنین تعهد به آن نشان‌دهنده شکل‌گیری هویت شغلی است.

مارسیا براساس این دو بعد، چهار نوع منزلت هویت شغلی را برای دانشجویان تعریف کرده است. او «وضعیت هویت موفق»^۶، دانشجویانی را توصیف می‌کند که بحران اکتشاف را تجربه کرده‌اند و از این راه به ارزش‌ها و اهداف شغلی متعهد شده‌اند. «وضعیت هویت دنباله‌رو»^۷ ویژگی دانشجویانی است که از راه تطبیق دادن خود با نگرش‌های والدین و یا افراد مهم دیگر در زندگی‌شان، تعهداتی به دور از اکتشاف برای آنان حاصل شده است. «وضعیت هویت بحران‌زده»^۸ در حال تجربه کردن بحران هویت و اکتشاف هستند و هنوز تعهدی برای آنان حاصل نشده است و سرانجام «وضعیت هویت سردرگم (مغشوش)»^۹ مخصوص کسانی است که خود را به طور جدی درگیر اکتشاف و سنجش شغلی نمی‌کنند و تعهداتی را نیز به ارزش‌ها و اهداف شغلی نشان نمی‌دهند (هانسبرگر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۱).

یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات هویتی، مقایسه و بررسی رشد هویت شغلی در میان زنان و مردان است. زنان در طول تمدن بشری فراز و نشیب‌های بسیاری را براریکه قدرت خویش پیموده‌اند. این تصور که زن در طول تاریخ به عنوان موجودی که جدا از حیطه قدرت است و به او جنس دوم لقب داده‌اند، نگذاشته است تا زنان هیچ‌گاه شرایطی یکسان و برابر با مردان داشته باشند. عده‌ای از محققان (آرچر، ۱۹۸۵؛ مته سون، ۱۹۹۳؛ هورست، ۱۹۹۵) معتقدند برخلاف مردان که در آن‌ها نخست هویت شکل می‌گیرد و سپس مرحله صمیمیت آغاز می‌شود، در زنان ابتدا روابط پیوندجویانه و صمیمانه برقرار

1. Kalsner L
2. Marcia J. E.
3. Mackinnon J. L.
4. Exploration
5. Commitment
6. Achievement identity
7. Foreclosure identity
8. Moratorium identity
9. Diffusion identity
10. Hunsberger B.

می‌شود، سپس به کسب هویت نایل می‌شوند. به این ترتیب موضوعات بین فردی آن‌ها نسبت به موضوعات شغلی از اولویت و اهمیت بیش‌تری برخوردار است. بنابراین به نظر می‌رسد فرایند شکل‌گیری هویت به‌ویژه در حیطه شغل برای زنان متفاوت از مردان باشد.

ویتر^۱ (۲۰۰۲) نیز بیان کرده است که فرایند شکل‌گیری هویت برای زنان نسبت به مردان پیچیده‌تر است. او دریافت که زنان برای اهداف، ارزش‌ها و اعتقادات خود نسبت به مردان بیش‌تر فعالیت می‌کنند و زنان نه تنها تمایل دارند که به آرزوهای خود در انتخاب شغل و احساس هویت دست پیدا کنند بلکه در تصمیم‌گیری برای شکل‌گیری هویت نیز نسبت به مردان در حوزه‌های بیش‌تری فعالیت می‌کنند.

نتایج تحقیقات ایمبیمبو^۲ (۱۹۹۵) و لوکاس^۳ (۱۹۹۷) نشان‌دهنده تفاوت جنسی در وضعیت هویت شغلی بوده است و زنان بیش‌تر از مردان هویت موفق داشته‌اند. دووان^۴ و آدلسون^۵ (۱۹۹۶) به نقل از هورست، (۱۹۹۵) به این نتیجه رسیدند که دختران با واژه‌های تقریباً غیرواقعی، نامعلوم و خیالی در مورد طرح‌های آینده شغلی خود صحبت می‌کردند.

آرچر^۶ (۱۹۹۳) نیز به این نتیجه رسید که چون روند اجتماعی شدن زنان به نقش‌های جنسیتی تجویز شده از سوی اجتماع متفاوت است، وجود موانع اجتماعی مثل تعارض بین شغل و خانواده باعث پیچیدگی بیش‌تری در شکل‌گیری هویت شغلی در زنان شده است.

و اما فرایند شکل‌گیری هویت در جوامع سنتی به واسطه جریان‌های عمده زندگی فردی و اجتماعی یک‌باره و به صورت عینی و عملی برای فرد تدارک می‌شود. به عنوان مثال هویت جنسی فرد در جامعه سنتی یک‌باره و در جریان ازدواج زود هنگام وی تعریف می‌شود. در زمینه هویت مذهبی نیز به سن تکلیف رسیدن مبنایی است که برای فرد شروع دریافت هویت عینی دینی محسوب می‌شود، هر چند که این وضعیت، آغاز یک روند طولانی هویت‌یابی است. هویت‌یابی شغلی و اجتماعی فرد نیز به یک‌باره است و فرد در آن موقعیت قرار گرفته و در قالب یک شغل وارد حیات اقتصادی خانواده و جامعه می‌شود. به طور کلی در جامعه سنتی، هویت‌یابی بسیار همگون، ساده، بدون پیچیدگی و به‌وسیله خانواده سازمان پیدا می‌کند (بی‌نا، ۱۳۷۸).

برخلاف جوامع سنتی در جوامع پیشرفته، هویت‌یابی برای بسیاری از افراد کار دشواری است و تا وقتی که بحران هویت حل نشده باشد، فرد مفهوم یکپارچه‌ای از خود یا سلسله معیارهای ارزیابی

1. Waiter
2. Imbimbo
3. Lucas
4. Douvan
5. Adelson
6. Archer

ارزشمند خویش در زمینه‌های عمده زندگی مانند جهت‌گیری شغل، جهان‌بینی و هم‌چنین ازدواج نخواهد داشت (اتکینسون^۱ و هیلگارد^۲، ۲۰۰۰، ترجمه برهانی و همکاران، ۱۳۷۵).

در جامعه جدید هویت‌یابی فرد در حوزه‌های مختلف به‌صورت تدریجی و به شکل ذهنی و به دور از موقعیت‌های عملی و تجربی شکل می‌پذیرد؛ زیرا هویت‌یابی فرد تا قبل از ورود به دنیای عملی تجربه، نتیجه تأثیر و تأثر متقابل فرد با مجموعه‌ای از عناصر و متغیرهای کاملاً ذهنی است (مثل همان هویت‌یابی شغلی که فرد یک‌باره در موقعیت عملی شغلی قرار نمی‌گیرد بلکه به شکل ذهنی و به دور از تجربه عینی، مدت‌ها در آن‌باره تحت آموزش انتزاعی قرار می‌گیرد). در شکل جدید هویت‌یابی، نقش آگاهی و بینش بر نقش رفتار در ایجاد هویت پیشی گرفته است.

پیشینه پژوهش

در ساختار فرهنگی ایران، اصولاً خانواده‌ها برای فرزندان مؤنث خود سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. به این ترتیب از همان دوران کودکی تمایزات جنسی به فرزندان آموخته می‌شود. مدرسه نیز این آموزه‌ها را تقویت می‌کند. علاوه بر خانواده، مدرسه و اجتماع برخی از باورهایی که بیش‌تر با نام دین و مذهب تبلیغ می‌شوند، موجب می‌شود که ساختار فرهنگی تقویت شده و جنبه اولویت به خود بگیرد. این موضوع در مورد هویت شغلی زنان ایران به صورت کامل صادق است (ناجی راد، ۱۳۸۲).

در سال‌های اخیر، آن چه از مطالعه پایان‌نامه‌ها به‌دست آمده است، نشان می‌دهد که بیش‌تر تحقیقات در زمینه مقایسه ابعاد شخصیت، سلامت روان و منزلت‌های هویتی و یا مقایسه‌ای بین دختران و پسران دانشجو بوده است (احمدیان، ۱۳۸۴؛ شکرایی، ۱۳۸۰). و با توجه به پیشرفت‌های به‌سزایی که در زمینه هویت‌یابی صورت گرفته است هنوز تحقیق مدونی در خصوص هویت‌یابی شغلی زنان انجام نشده است.

فیض درگاه (۱۳۷۴) در پژوهشی رشد هویت در دختران نوجوان را با تأکید بر هویت شغلی مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت دختران نوجوان دارای هویت شغلی مستتر هستند و برای کسب مسؤولیت‌های حرفه‌ای و صلاحیت شغلی آمادگی ندارند. عدم صلاحیت شغلی دختران ممکن است به این دلیل باشد که در جوامع سنتی مانند جامعه ایران، مسأله مسؤولیت‌های حرفه‌ای یا هویت شغلی برای دختران در اولویت نیست؛ زیرا پیامی که اغلب دختران نوجوان از طریق خانواده، مدرسه یا رسانه‌ها دریافت می‌کنند این است که هویت اولیه زن ایرانی، همسر بودن و مادر بودن است. شاید این پیام و درونی ساختن آن به‌وسیله دختران نوجوان، عامل مهمی در شکل‌گیری هویت شغلی دختران نوجوان ایرانی باشد.

نقش اصلی زنان در ایران همسرمداری، خانه‌داری و مادری است و در این میان با عمده نشان دادن نقش زن در خانه، موانع بسیاری در شکل‌دهی هویت شغلی زنان ایجاد می‌شود. نتیجه تحقیق فیض درگاه (۱۳۷۴) نشان می‌دهد که بین هویت شغلی و هویت فردی در چهار وضعیت هویت (هویت دنباله‌رو، هویت سردرگم، هویت بحران‌زده، هویت‌یافتگی) ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و بین سطح اقتصادی- اجتماعی و هویت شغلی نیز رابطه معناداری است. دختران نوجوانی که از وضعیت اقتصادی- اجتماعی بالایی برخوردارند هویت شغلی موفق‌تری دارند. بنابراین سطح اقتصادی- اجتماعی در کسب هویت شغلی موفق تأثیر دارد.

راستگو مقدم (۱۳۷۶) در تحقیق خود با عنوان بررسی تحول هویت شغلی از نوجوانی تا جوانی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی دریافت که هویت شغلی با افزایش سن، تغییرات معناداری را نشان می‌دهد. یافته‌های محقق در بررسی ارتباط جنسیت، رشته تحصیلی و طبقه اجتماعی با هویت شغلی نشان می‌دهد که بین جنسیت و رشته تحصیلی با هویت شغلی رابطه معناداری وجود ندارد، اما هویت شغلی با افزایش سن ارتباط معناداری دارد.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- هویت نگرشی دختران در زمینه انتخاب شغل از نظر قرارگیری در انواع منزلت هویت شغلی به چه صورت است؟
- ۲- هویت نگرشی مادران (در سن ۱۸- ۲۲ سالگی) در زمینه انتخاب شغل از نظر قرارگیری در انواع منزلت هویت شغلی به چه صورت بوده است؟
- ۳- آیا هویت نگرشی دختران نسبت به مادران آنان (در سن ۱۸- ۲۲ سالگی) در زمینه انتخاب شغل با یکدیگر متفاوت است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی از نوع تحلیل محتوا است که در آن سعی شده است تا توصیف عینی، واقعی و منظم منزلت‌های هویتی شغلی دختران و مادران و سپس مقایسه این دو گروه حاصل شود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد نظر در این پژوهش کلیه دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۶ و مادران آنها می‌باشد. به منظور نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از تمامی دانشکده‌ها به صورت اتفاقی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی و سپس به صورت اتفاقی رشته تکنولوژی آموزشی و سپس سه کلاس انتخاب و پرسشنامه‌ها بین دانشجویان دختر ۱۸ -

۲۲ ساله و همین طور مادران آن‌ها توزیع شد که در نهایت تعداد ۵۰ دانشجوی دختر و ۵۰ نفر مادران همان دختران به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از پرسشنامه بازپاسخ محقق ساخته با تأکید بر نظریه مارسبا و برگرفته از پرسشنامه عینی « منزلت‌های هویتی من » (EOM-EISII) استفاده شد. پرسشنامه «منزلت‌های هویتی من» (EOM-EISII) به‌وسیله بنیون و آدامز (۱۹۸۹) تهیه شد. این پرسشنامه ۶۴ سؤال دارد. برای هر کدام از زیرمقیاس‌های سردرگم، دنباله رو، بحران زده و هویت موفق ۱۶ سؤال مطرح شده است. پایایی این آزمون از راه آلفای کرونباخ برای پایگاه هویت موفق ۸۱ درصد، هویت بحران زده ۶۵ درصد، هویت دنباله‌رو ۷۲ درصد و هویت سردرگم ۵۱ درصد به‌دست آمده است.

پرسشنامه باز پاسخ محقق ساخته که در این پژوهش از آن استفاده شد به صورت سؤال‌های تشریحی در زمینه نحوه انتخاب شغل و نگرش نسبت به انتخاب شغل در هر کدام از انواع منزلت‌های هویت شغلی مطرح شد. این پرسشنامه بعد از مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر و انجام اصلاحات لازم، از نظر روایی صوری و محتوایی مورد تأیید چند تن از متخصصان قرار گرفت. سپس در اختیار نمونه پژوهشی قرار داده شد (لازم به ذکر است که از مادران در زمینه هویت شغلی در سنین ۱۸ - ۲۲ سالگی آنان سؤال شد تا امکان مقایسه با دختران فراهم شود).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش پاسخ‌های تشریحی دختران و مادران در رابطه با نحوه انتخاب شغل و نگرش نسبت به انتخاب شغل جمع‌آوری شد و با توجه به چهار مقوله هویت سردرگم، هویت بحران زده، هویت موفق و هویت دنباله‌رو کدگذاری شدند. مشخصه‌های کدگذاری شده برای هر یک از چهار نوع منزلت هویت شغلی به این صورت است:

هویت موفق: اگرچه مدت زیادی وقت صرف کرده‌ام ولی با اطمینان تصمیم خود را گرفته‌ام و کاملاً آگاه هستم که به چه صورت عمل کنم.

هویت بحران زده: من هنوز نتوانسته‌ام در زمینه‌های مختلف تصمیم بگیرم و هنوز سعی دارم بفهمم که از چه حد توانایی لازم برخوردارم.

هویت دنباله‌رو: من هیچ وقت به طور جدی فکر نکرده‌ام و همیشه پیرو نظر والدین خود و دیگران هستم.

هویت سردرگم: من اصلاً در هیچ زمینه‌ای علاقه‌ای ندارم و برایم مهم نیست.

بعد از کدگذاری و شمارش فراوانی‌ها برای تعیین پایایی، دو تن از متخصصان پاسخ‌ها را مورد بازبینی قرار داده و اختلاف نظرها با پژوهشگر مورد اصلاح قرار گرفت و به این صورت درجه بالایی از ثبات مشخص شد. برای مقایسه مادران و دختران از نرم‌افزار SPSS و آزمون حقیقی فیشر استفاده شد (به این دلیل که در جدول‌ها، بیش‌تر از ۲۰ درصد خانه‌ها، فراوانی مورد انتظار کم‌تر از ۵ داشتند، به جای آزمون مجذور خی دو طرفه از آزمون حقیقی فیشر استفاده شد).

یافته‌های پژوهش

تحلیل توصیفی

یافته‌های به‌دست آمده از دختران در زمینه نحوه انتخاب شغل

نمونه‌هایی از پاسخ‌های دختران در زمینه نحوه انتخاب شغل که کدگذاری شده‌اند، به شرح زیر است:

- شغل باید مورد علاقه خودم باشد و کارایی و درآمد کافی داشته باشد؛
 - شغل انتخابی من باید مورد تأیید خانواده‌ام باشد؛
 - شغل باید متناسب با تخصص خودم باشد؛
 - شغلی مناسب است که متناسب با نیاز جامعه و توانایی خودم باشد؛
 - شغلی مناسب است که احساس امنیت در من ایجاد کند؛
 - در مورد شغل هنوز در حال تجربه‌کردن هستم.
- بعد از کدگذاری و شمارش فراوانی‌های به‌دست آمده از انواع منزلت‌های هویتی دختران در زمینه انتخاب شغل نتایج در جدول ۱ مشخص می‌شود:

جدول ۱: فراوانی و درصد انواع منزلت‌های هویتی دختران در زمینه انتخاب شغل

انواع منزلت	هویت موفق	هویت بحران‌زده	هویت دنباله‌رو	هویت سردرگم
فراوانی	۴۵	۴	۱	۰
درصد	٪۹۰	٪۸	٪۲	٪۰

در جدول ۱ فراوانی و درصد انواع منزلت‌های هویتی دختران در زمینه انتخاب شغل نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بیش‌ترین درصد و فراوانی (۹۰ درصد) در منزلت‌های هویت‌یافتگی نشان داده شده است و کم‌ترین درصد و فراوانی به‌ترتیب در هویت سردرگم (صفر درصد) و در مراتب بعدی در هویت دنباله‌رو (۲ درصد) و هویت بحران‌زده (۸ درصد) نشان داده شده است.

یافته‌های به‌دست آمده از مادران در زمینه نحوه انتخاب شغل

- نمونه‌هایی از پاسخ‌های مادران در این زمینه به شرح زیر است:
- من در سن ۱۸ - ۲۲ سالگی زیاد به فکر نمی‌افزادم که من هم می‌توانم کار کنم؛
 - من در آن زمان اصلاً به فکر انتخاب شغل و کار کردن بیرون منزل نبودم؛
 - همیشه در گذشته دوست داشتم شغلی را انتخاب کنم، اما موقعیت مطلوب نبود؛
 - خانواده‌ام در گذشته من را محدود می‌کردند و اجازه نداشتند شغلی برای خودم انتخاب کنم؛
 - در گذشته به خاطر شروع زندگی مشترک اصلاً به دنبال انتخاب شغل و کاری نبودم؛
 - در گذشته دوست داشتم معلم بشوم، اما نشد؛
 - در گذشته نگرشی در زمینه انتخاب شغل نداشتم؛
 - به دلیل مخالفت‌های خانواده اجازه کار کردن و اشتغال را نداشتم؛
- بعد از کدگذاری و شمارش فراوانی، نتایج به شکل جدول ۲ گزارش می‌شود:

جدول ۲: فراوانی و درصد انواع منزلت‌های هویتی مادران در زمینه‌ی نحوه انتخاب شغل

انواع منزلت	هویت موفق	هویت بحران زده	هویت دنباله‌رو	هویت سردرگم
فراوانی	۲۱	۸	۴	۱۷
درصد	۴۲	۱۶٪	۸٪	۳۴٪

جدول ۲ فراوانی و درصد انواع منزلت‌های هویتی مادران را در زمینه انتخاب شغل نشان داده است و نتایج بیانگر آن است که بیش‌ترین فراوانی در زمینه هویت یافتگی (۴۲ درصد) و در مرحله بعدی با اختلاف کمی در درصد و فراوانی، هویت سردرگم (۳۴ درصد) را نشان داده‌اند و کم‌ترین فراوانی و درصد مربوط به منزلت هویتی دنباله‌رو (۸ درصد) است.

تحلیل استنباطی

بر اساس آزمون حقیقی فیشر نتایج حاصل از مقایسه فراوانی انواع منزلت‌های هویتی در زمینه انتخاب شغل در دو گروه دختران و مادران به شرح زیر است:

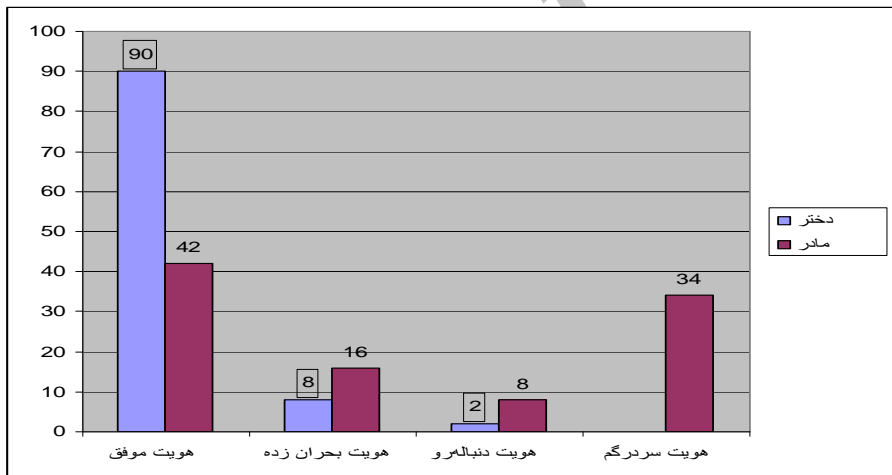
جدول ۳: آزمون حقیقی فیشر بین منزلت‌های هویتی دختران و مادران در زمینه انتخاب شغل

انواع منزلت	هویت موفق	هویت بحران زده	هویت دنباله‌رو	هویت سردرگم
دختر	۴۵	۴	۱	۰
مادر	۲۱	۸	۴	۱۷

$$F = ۳۲/۰۱, P < ۰/۰۰۰۱$$

در جدول ۳ نتایج آزمون حقیقی فیشر بین منزلت‌های هویتی مادران و دختران در زمینه انتخاب شغل عنوان شده است. براساس نتایج مندرج در جدول مقدار فیشر محاسبه ($F_{32}=0.1$) و مقدار ($P<0.0001$) گزارش شده است. در این جا چون مقدار P محاسبه شده از 0.05 کم‌تر است، نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلت‌های هویتی این دو گروه در زمینه انتخاب شغل تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از جدول که در نمودار ۱ نمایش داده شده است، مؤید این مطلب است که ۹۰ درصد دختران در زمینه انتخاب شغل در منزلت هویت‌یافتگی قرار دارند؛ این در حالی است که فقط ۴۲ درصد از مادران در این زمینه در منزلت هویت‌یافتگی قرار داشته‌اند. در منزلت سردرگم، دختران در زمینه انتخاب شغل در منزلت سردرگم قرار ندارند و این در حالی است که مادران ۳۴ درصد منزلت هویتی سردرگم را نشان داده‌اند. در مورد منزلت دنباله‌روی، دختران ۲ درصد و مادران ۸ درصد را نشان داده‌اند و در زمینه منزلت بحران‌زدگی تفاوتی بین مادران و دختران مشاهده نشده است.



نمودار ۱: مقایسه درصد منزلت‌های هویت شغلی مادران و دختران

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر (که تأییدکننده این مطلب است) نشان می‌دهد دختران در زمینه انتخاب شغل بیش‌تر در منزلت هویت موفق قرار دارند که با نتایج پژوهش فیض درگاه (۱۳۷۶) متفاوت است. وی در زمینه هویت شغلی به این نتیجه رسیده است که دختران بیش‌تر در این زمینه هویت سردرگم دارند و برای کسب مسؤولیت‌های حرفه‌ای و صلاحیت شغلی آمادگی ندارند. این تفاوت شاید مؤید این موضوع باشد که تغییر و تحولاتی که از سال ۱۳۷۶ تا به امروز (۱۳۸۷) در جامعه ایران صورت گرفته است

مانند وضعیت اقتصادی- اجتماعی حاکم بر جامعه، سبب شده است که دختران به سمت هویت‌یافتگی در زمینه انتخاب شغل سوق داده شوند. فیض درگاه نیز در پژوهش خود رابطه بین سطح اقتصادی- اجتماعی جامعه و هویت شغلی موفق را به صورت یک رابطه معنادار نشان داده است.

پژوهش حاضر، مادران را بیش‌تر در منزلت هویتی سردرگم نشان می‌دهد. در این صورت نتیجه گرفته می‌شود که تغییرات وضعیت اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه از دو تا سه دهه قبل تاکنون سبب تفاوت بین مادران و دختران شده است.

واترمن و همکارانش در سال ۱۹۷۱ به نقل از استنبرگ (۱۹۹۹) دریافتند که دانشجویان دانشگاه‌ها با برنامه‌های شغلی مشخصی فارغ‌التحصیل شده‌اند. این یافته‌ها تأییدکننده نتایج پژوهش حاضر نیز می‌باشد که نمونه پژوهشی دختران بیش‌تر در منزلت هویت موفق قرار دارند.

نتایج حاصل از پژوهش راستگو مقدم (۱۳۷۶) نشان داده است که بین هویت شغلی و سن رابطه معناداری وجود دارد. در پژوهش حاضر با توجه به پاسخ نامه‌های مذکور متوجه می‌شویم مادران در پاسخ‌های خود به سؤالات در زمینه انتخاب شغل، بیان کرده‌اند که در گذشته انتخاب شغل برای آنان مهم نبوده است ولی در حال حاضر اشتغال از جمله مسائل مهم در زندگی آن‌ها است که پاسخی است در تأیید نظر پژوهش راستگو مقدم و ارتباط معنادار میان سن و هویت شغلی.

در تأیید پژوهش حاضر با توجه به مقاله ارائه شده به‌وسیله بی‌نا (۱۳۷۸) استنباط می‌شود که در جامعه سنتی، هویت‌یابی بیش‌تر به واسطه جریان‌های عمده زندگی فردی و به صورت یک‌باره انجام می‌پذیرد. فرد در زمینه هویت‌یابی شغلی نیز به یک‌باره در یک موقعیت شغلی قرار می‌گیرد و در قالب یک شغل مشخص وارد حیات اقتصادی خانواده و جامعه می‌شود و بیش‌ترین هویت‌یابی نیز به‌وسیله خانواده سازمان پیدا می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر نیز تأییدکننده همین مطلب است که مادران در جوامع سنتی، دو تا سه دهه قبل، در سنین جوانی بیش‌تر در زمینه انتخاب شغل سردرگم بوده‌اند و کمتر دخالتی در انتخاب شغل خود داشته‌اند. بیش‌تر آن‌ها به شغل خانه‌داری مشغول بوده و درصد بیش‌تری از آنان نسبت به دختران خود در منزلت هویتی دنباله‌روی قرار داشته‌اند که نشان می‌دهد بیش‌ترین هویت‌یابی در جوامع سنتی به‌وسیله خانواده و به صورت ساده و بدون پیچیدگی انجام شده است. هم‌چنین پژوهش حاضر نشان می‌دهد که درصد بیش‌تری از دختران در زمینه شغل در منزلت هویت‌یافتگی قرار دارند. با توجه به پاسخ‌های ارائه شده به‌وسیله دختران در پاسخ‌نامه‌ها استنباط می‌شود که آن‌ها از مدت‌ها پیش برای انتخاب شغل به تفکر پرداخته‌اند و قبل از ورود به دنیای عملی تجربه، به طور ذهنی تحت آموزش انتزاعی قرار گرفته‌اند و برخلاف مادران خود یک‌باره هویت‌یابی آنان کامل نشده است.

در پژوهش حاضر منزلت دنباله‌روی در زمینه انتخاب شغل در دختران درصد کم‌تری را نسبت به مادران آنان نشان داده است. این یافته تأییدکننده این مطلب است که دختران نسبت به مادران خود بیش‌تر به صورت مستقل عمل می‌کنند.

در کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایشی (۷۹-۸۲) نیز مطرح شده است که موقعیت نسل جدید با نسل‌های پیشین به طور کیفی تفاوت‌هایی را پیدا کرده است و گروه‌های نسل جدید کم‌تر فرایند جامعه‌پذیری خود را در خانواده سپری می‌کنند. این مسیر خوشبختانه روند مطلوبی از احقاق حقوق زنان در جامعه را خبر می‌دهد که می‌توان با کارشناسی و عمل‌کردن کاتالیزوری بر سرعت و بهبود این جریان افزود.

جلیلود (۱۳۷۴) به بررسی مفهوم نگرش و ارزش‌های اجتماعی و عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری نسل نو می‌پردازد. هدف‌های اصلی این پژوهش، شناخت میزان تفاوت، تضاد و نگرش‌های نسل جوان و سالمند نسبت به برخی ارزش‌های اجتماعی و همچنین سنجش تأثیر متغیرهایی مانند موقعیت اقتصادی، تأثیرپذیری از نمادهای مختلف جامعه‌پذیری و نقش آن‌ها بر تفاوت نگرش‌های نوجوان و والدین آنان می‌باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین نگرش مادران و دختران نسبت به تحصیل و اشتغال زنان در خارج از منزل توافق وجود داشته و نگرش‌های آنان متفاوت نبوده است. همچنین بین پایگاه اقتصادی خانواده با نگرش دختران نسبت به ارزش‌های مورد بحث رابطه‌ای وجود ندارد. ولی در مورد مادران، نگرش آن‌ها نسبت به تحصیل و اشتغال زن تحت تأثیر موقعیت اقتصادی قرار داشته است و بیش‌تر کسانی که از پایگاه اقتصادی بالایی برخوردار بودند، نسبت به تحصیل و اشتغال زن در خارج از منزل گرایش مثبتی داشتند. به این ترتیب نگرش دختران متأثر از نگرش مادران آن‌ها نیست و عوامل دیگری در شکل‌گیری نگرش دختران نسبت به ارزش‌های اجتماعی مؤثر است.

در پژوهش حاضر، نمونه انتخابی (مادران) دارای سطح اقتصادی - اجتماعی متوسط بودند. بنابراین نتایج استخراج شده که مادران بیش‌تر در منزلت هویت سردرگم قرار داشتند با نتایج پژوهش جلیلود همخوان است؛ زیرا وی معتقد است که پایگاه اقتصادی بالا گرایش مثبتی را برای اشتغال زنان ایجاد می‌کند.

شبرو (۱۳۸۰) در پژوهشی میزان تفاوت و تضاد در نگرش‌های زنان نسل جوان و سالمند نسبت به خانواده و ازدواج را به روش پیمایشی و اسنادی مورد بررسی قرار داد. سؤال اصلی در پژوهش مذکور این است که آیا اولویت‌های ارزشی و ترجیح‌های ارزشی دو نسل، فرزند و والدین آنان بیش از حد معمول متفاوت است و از هم فاصله گرفته است؟ نتیجه کلی این است که به علت تفاوت‌های اندک بین متغیرها نمی‌توان اصطلاح شکاف نسلی را برای مادران و دختران آنان به‌کار برد؛ زیرا تفاوت‌هایی در

طرز نگرش مادران و دختران به صورت جزئی وجود دارد. این تفاوت در پژوهش حاضر نیز مشاهده می‌شود.

خلاصه این که پژوهش حاضر آغازی است برای بررسی‌های بیش‌تر در زمینه تفاوت‌های موجود بین نسل قدیم و نسل نو و هم‌چنین بررسی عوامل مؤثر بر این تفاوت‌ها. امید است در آینده پژوهش‌های بیش‌تری در این زمینه انجام شود.

منابع

- اتکینسون، آل، و همکاران (۲۰۰۰) *زمینه روان‌شناسی (۱)*. ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران. (۱۳۷۵). تهران: انتشارات رشد.
- احمدیان، حمزه (۱۳۸۴) *بررسی رابطه ابعاد شخصیت و منزلت‌های هویتی من*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- بی‌نا (۱۳۷۸) *دکترین مرکز ملی جوانان برای ساماندهی امور جوانان*. ویژه‌نامه مرکز ملی جوانان. شهریور.
- جلیلوند، شیرین (۱۳۷۴) *بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران نسل قدیم و جدید نسبت به ارزش‌های اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- راستگو مقدم، میترا (۱۳۷۶) *بررسی تحول هویت شغلی از توجوانی تا جوانی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- شبرو، معصومه (۱۳۸۰) *نگرش زنان به ازدواج و خانواده (بررسی و مقایسه نسلی دو سن مادران و دختران)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- شکرایبی، زهرا (۱۳۸۰) *بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت میان دختران و پسران دانشجو*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- شی‌یر، مایکل و کارور (۱۳۷۵)، چارلز. *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه احمد رضوانی. (۱۳۷۵). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فیض درگاه، لیلا (۱۳۷۴) *بررسی رشد هویت در دختران نوجوان با تأکید بر هویت شغلی در اواخر نوجوانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- گیدنز، آنتونی. *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۸۲). نشر نی.
- ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۲) *موانع مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی - اقتصادی ایران پس از انقلاب*. تهران: کویر.

- Archer, S. L. (1985) *Career and family: The identity process for adolescent girls*. Youth and society: 16. 289-314.
- Erikson, E. (1968) *Eight stages of man: Children and society*. New York: Norton, pp. 67-77 (ch. 7). In . L. Cooper & L. A. Pervin (Eds) *Personality: critical concepts in psychology*. vol 1. London: Routledge.
- Horst, E.-A. (1995) "Reexamining gender issues in Erikson's stages of identity and intimacy". *Journal of Counseling & Development*. 73. 271-278
- Hunsberger, Bruce, Pratt, Michael, Pancer, Marks. (2001) "Adolescent identity formation: Religious exploration and commitment". *Identity: An international Journal of theory and research*, 1(4), 365-386.
- Imbimbo, P. V. (1995) "Sex differences in the identity formation of collage students from divorced families". *Journal of youth and Adolescence*, 24(6). 745-761.
- Kalsner, L. (1996) *The influence of developmental and emotional factors on success in collage*. www.review.org/issues. Vol 3, No 2.
- Lahey, B. B. (2002) *Psychology an introduction*. New York; McGraw-Hill.
- Lucas, M. (1997) "Identity development, career development, and psychological separation from parents; similarities and differences between men and women". *Journal of Counseling Psychology*, 44, (2), 123-132.
- Mackinnon, Jane. L., Marcia, James E. (2002) "Concurring patterns of women's identity status, attachment styles, and understanding of children's development". *International Journal of Behavioral Development*. 25(1), 70-80.
- Marcia, J. E. (1993) *Ego identity status approach in J. Marcia, A. Waterman D. R. Matteson, S. Archer and J. Orlofsky (Eds). Ego identity; A handbook for psychosocial research (pp. 3021)*. New York. Springer verlage. Inc.
- Marcia, J. E. (2002) "Identity and psychosocial development in adulthood Identity": *An international Journal of Theory and Research*. 2(1), 7-28.
- Steinberg, Laurence. (1999) *Adolescence*. Fifth Edition. www.SID.ir

Wautier , gary\$ Balter, blume , \$ Libby. (2004). "The effects of ego identity, Gender role ,and attachment on depression and anxiety in young adults" .
Identity: An international Journal of theory and research , 4(1) , 59 -76

Archive of SID